چگونگی ولادت

ابوالقاسم جعفری



بسم الله الرحمن الرحیم

چگونگی ولادت

نویسنده:

ابوالقاسم جعفری

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

چگونگی ولادت

مشخصات کتاب

نویسنده: ابوالقاسم جعفری

ناشر: حوزه – ۱۳۷۴

مقدمه

ولادت و زندگی مهدی موعود (عج)، از رخدادهای مهم است و ریشه در باور دینی مسلمانان دارد. اعتقاد به تولد، حیات طولانی، ظهور و امامت آن حضرت، مسائله ای است اساسی که نقش سرنوشت ساز و جهت بخشی را به زندگی و رفتاردین باوران، بویژه شیعیان داده است.احادیث فراوانی از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) از طریق سنّی و شیعه رسیده که بیانگر ویژگیهای شخصی امام زمان (عج) است: از خاندان رسالت، از فرزندان فاطمه (ع)، نهمین فرزند امام حسین (ع)، دوازدهمین پیشوای شیعیان و... [۱] .گزارشگران تاریخ نیز، چه آنان که پیش از ولادت وی می زیسته اند و چه آنان که در زمان ولادت و پس از آن بوده اند، از این ولادت پر برکت خبر داده اند و برخی از آنان که توفیق دیدار و مشاهده مهدی (عج) را داشته اند از شمایل و اوصاف آن امام سخن گفته اند. [۲] .با وجود این شواهد و قراین، که در درستی آنها تردیدی نیست، هنوز درباره زندگی و شخص آن حضرت، مسایل و مطالبی مطرح است که بحث و بررسی بیشتر و دقیق تری را می طلبد.در این نوشتار، بر آنیم که ضمن اشاره گذرا به سیر طبیعی زندگی امام عصر (عج)، از آغاز تولد تا عصر ظهور، به اندازه توان و مجال، به برخی از پرسشها پاسخ بدهیم.

ولادت استثنایی

حضرت مهدی (عج)، ولادت استثنایی داشته و این،برای بسیاری سؤال انگیز بوده و هست. از این روی،ترسیم و تصویر و شرح مقدمات ولادت و برخورد مخالفان و دشمنان اهل بیت (ع)، در برابر این پدیده، ضرور می نماد.جریان امامت پیشوایان معصوم (ع)، پس از رسول خدا (ص) فراز و فرودهای گوناگونی پیدا کرد. امامان (ع)، با حفظ استراتژی کلی و خطوط اساسی امامت، در رابطه با حفظ مکتب و ارزشهای آن، تاکتیکها و روشهای گونه گونی را در برابر ستم پیشگان، در پیش گرفتند.این فراز و نشیبها، تا زمان امامت علی بن موسی الرضا (ع)، استمرار داشت و امامان اهل بیت، هر یک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی، موضعی خاص انتخاب می کردند.پس از امام رضا (ع)، جریان امامت شکل دیگری یافت.امام جواد، و امام هادی و امام حسن عسگری (ع)، در برابر دستگاه حاکم و خلفای عباسی موضعی یگانه برگزیدند.از آن جا که این بزرگواران، زیر نظر مستقیم و مراقبت شدید خلیفه وقت، در حصر و حبس به سر می بردند، حرکتها، هدایتها و رهبریهای آنان محدود شد وفرصت هرگونه حرکت سیاسی، از آنان سلب گردید.این محاصره و سخت گیری، نسبت به امامان سه گانه، از تزویج دختر خلیفه به امام جواد (ع) آغاز شد [۳] و با فراخوانی امام هادی (ع) و فرزندش امام حسن (ع) به مرکز خلافت (سامراء) و سکونت دادن آنان در محله (عسکر) ادامه یافت. [۴] .گزارشهای جاسوسان خلیفه از مدینه به وی رسید که امام هادی (ع) محور و ملجائ شیعیان و دوستداران اهل بیت گردیده است. اگر این مرز وبوم را می خواهی اقدام کن.متوکل عباسی، پیامی به والی مدینه نوشت وافرادی را برای آوردن امام، به سامراء گسیل داشت.به این اقدام هم بسنده نکرد، پس از اقامت امام در سامرا، گاه و بی گاه ماموران خود را به خانه امام می فرستاد. بارها و بارها آن حضرت را به پیش خلیفه بردند، و مورد آزار و اذیت قرار دادند. [۵] .روز به روز،حلقه

محاصره تنگ تر می شد. و ملاقات شیعیان با امام دشوارتر. البته علت اصلی این سخت گیریها، از ناحیه حکومت، بیم از انقلاب و شورش مردم علیه آنان وجلوگیری از رسیدن وجوه شرعی و اموال به امام (ع) و مسائلی از این دست بود.پس از امام هادی (ع) و در زمان امامت امام حسن (ع)، این فشارها به اوج رسید و دشمن، با تمام توان و تلاش، در برابر آن حضرت موضع گرفت و ارتباط شیعیان با امام (ع) را به پایین ترین حدّ رساند. آزار و شکنجه و زندانهای مکرّر آن حضرت، گویای این حقیقت است، بویژه این که دشمن احساس کرده بود آنچه را که از آن نگران است، در شرف تکوین و وقوع قرار گرفته از این روی، می کوشید تا واقعه را پیش از وقوع آن علاج کند.تولد مهدی موعود (عج)، به عنوان دوازدهمین پیشوای شیعیان، با نشانه هایی چون:نهمین فرزند امام حسین (ع)، چهارمین فرزند امام رضا (ع) و... مشهور شده بود و مسلمانان حتی حاکمان، آن را بارها از زبان راویان و محدثان شنیده بودند و می دانستند که تولد این نوزاد با این ویژگیها، از این خانواده، بویژه خانواده امام حسن عسکری (ع) بیرون نیست و روزی فرزندی از آن خانواده به دنیا خواهد آمد که حکومت عدل و داد بر پا خواهد کرد و ضمن فرمانروایی بر شرق و غرب، بنیاد ظلم را بر خواهد انداخت.از این روی بر فشارها و سخت گیری های خود نسبت به امام حسن عسکری (ع)، می افزودند، مگر بتوانند با نابودی ایشان از تولد مهدی (عج) و تداوم امامت جلو بگیرند [۶] اما برخلاف برنامه ریزیها و پیشگیریهای دقیق و پی در پی آنان، مقدمات ولادت امام زمان (عج) آماده شد و توطئه های دشمنان، راه به جایی نبرد.امام هادی (ع)، در زمان حیات خویش می دانست که آخرین حجت خدا در زمین از نسل اوست. از این روی در مساله ازدواج فرزند برومند خود، حسن بن علی اهتمام تام داشت و برای روییدن و رشد آن شجره طیّبه، به دنبال سرزمینی طیّب و طاهر می گشت.داستان ازدواج امام حسن (ع) به دو گونه روایت شده است، لکن آنچه با قرائن و روند طبیعی مساله سازگارتر می آید آن است که: خواهر امام هادی (ع)، حکیمه خاتون، کنیزان فراوان داشت. امام هادی (ع) یکی از آنان را به نام (نرجس)، که از آغاز زیر نظر وی فرائض و معارف دینی را به درستی فرا گرفته بود، به نامزدی فرزندش در آورد وبا مقدماتی که در کتابهای تاریخی آمده است، به عقد ازدواج امام حسن (ع) در آورد. [۷] مدتی از این ازدواج مبارک گذشت دوستان و شیعیان در انتظار ولادت آخرین ستاره امامت، روز شماری می کردند و نگران آینده بودند.امام حسن (ع)، گه گاه، نوید مولودش را به یاران می داد:(... سیرزقنی الله ولداً بمنّه ولطفه) [۸] .به زودی خداوند به من فرزندی خواهد داد و لطف و عنایتش را شامل من خواهد کرد.با تلاوت مکرر آیه شریفه:(یریدون لیطفئوا نوراللّه بائفواههم واللّه متمّ نوره ولو کره الکافرون) [۹] .به یاران امید و بشارت می داد که هیچ نقشه و مکری نمی تواند جلو این قدرت و حکمت خداوندی را بگیرد وروزی این وعده به تحقق می رسد.از آن سو، دشمن نیز،آنچه در توان داشت به کار گرفت، تا این وعده بزرگ الهی، تحقق نیابد: قابله های فراوانی در خانواده های منسوب به امام حسن (ع)، بویژه در منزل امام (ع) گمارد، امام را بارها به زندان افکند، مامورانی را گمارد که اگر فرزند پسری در خانه امام دیدند،نابودش کنند و... [۱۰] .اما بر خلاف این تلاشها، نرجس خاتون حامل نور امامت شد و جز امام حسن (ع) و افراد خاصی از وابستگان و شیعیان آن حضرت، از این امر، آگاه نشدند [۱۱] .تقدیر الهی بر تدبیر شیطانی ستمگران پیروز شد و درشب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق.آن مولود مسعود، قدم به عرصه وجود نهاد و نوید امامت مستضعفان و حاکمیت صالحان را داد [۱۲] .امام حسن (ع) که آرزوی خود را بر آورده دید، فرمود:(زعمت الظلمهٔ انّهم یقتلونی لیقطعوا هذا النسل فکیف راوا قدرهٔ اللّه) [۱۳] .ستمگران بر این پندار بودند که مرا بکشند، تا نسل امامت منقطع گردد، اما از قدرت خداوند غافل بودند.بدین ترتیب، در آن شرایط رعب و وحشت و در آن فضای اختناق و حاکمیت خلفای جور، دوازدهمین ستاره فروزان امامت و ولایت طلوع کرد و با تولدش، غروب و افول ستمگران و حاکمیت ستمدیدگان را اعلام کرد. [۱۴] .

یاد آوری دو نکته

ولادت پنهانی

معمولاًـ کسی که دارای فرزند می شود، خویشان، دوستان و همسایگان از آن آگاه می شوند، بویژه اگر شخص دارای موقعیت اجتماعی باشد، این مساله از کسی پوشیده نمی ماند. چگونه می توان تصور کرد که برای امام حسن (ع) نوزادی به دنیا بیاید و مخالفان، با آن همه دقت و حساسیّت و گماردن جاسوسهای فراوان در منزل امام و وابستگان آن حضرت، از تولد نوزاد آگاه نگردند.آیا این مساله عادی و طبیعی بود، یا اعجاز و خرق عادت؟پاسخ: امام حسن (ع)، از پیش گوییها آگاه بود و اهمیّت و عظمت آن مولود را نیز به درستی می دانست و از حساسیت دشمنان درباره تولد این نوزاد، غافل نبود و اوضاع سیاسی و شرایط اجتماعی را کاملاًـ می شناخت، از این روی، به گونه ای،مقدمات و پیش زمینه های ولادت فرزندش را فراهم ساخت که نه تنها دشمنان، بلکه بسیاری از دوستان هم از این امر آگاه نشدند. بنابراین، می توان گفت:تدبیر و کیاست و حزم و دور اندیشی امام حسن (ع) ایجاب می کرد تا آن حضرت به گونه ای این ماموریت را به انجام رساند که دشمنان در هدفهای شوم خود، ناکام بمانند و چنین هم شد.به همین جهت، شیخ طوسی، ولادت پنهانی امام زمان (ع) را امری عادی و معمولی دانسته و می نویسد:(این نخستین و آخرین حادثه نبوده است و در طول تاریخ بشری، نمونه های فراوان داشته است.) [۱۵] .اشاره دارد، به: ولادت پنهانی ابراهیم (ع)، به دور از چشم نمرودیان [۱۶] و ولادت پنهانی موسی (ع) به دور از چشم فرعونیان. [۱۷] .

مکان تولد و نگهداری

در این باره، چند احتمال وجود دارد:الف. در سامرا به دنیا آمد و تا آخر عمر پدر بزرگوارش، در آن جا زیست.ب. در سامرا متولد شد و پیش از درگذشت پدر، به مکه فرستاده شد.ج. در سامرا قدم به عرصه وجود نهاد و برای حفاظت و رشد، او را به مدینه بردند.د. در مدینه زاده شد و در همان جا ادامه حیات داد.برای هر یک از این احتمالها شواهد و قرائنی است که به نقد و بررسی آنها می پردازیم.دلایل احتمال اول:۱. برای احتمال اول، دسته ای از روایات را که بیانگر تبریک و تهنیت شیعیان،بر امام حسن (ع) است، شاهد آورده اند، از جمله:ابوالفضل الحسین بن الحسن العلوی گوید:(دخلت علی ابی محمد (ع) بسرّ من رای فهناته بسیّدنا صاحب الزمان علیه السلام لما ولد) [۱۸] .در سامرا، به منزل امام حسن (ع) رفتم و ولادت سرورمان، صاحب الزمان (ع) را به وی تبریک گفتم.این گونه روایات، می رساند: گروهی از شیعیان سامرا که از تولد فرزند امام حسن (ع) با خبر شده اند، برای عرض تبریک، به خدمت ایشان رسیده اند.به نظر ما، این گونه روایات، دلالتی ندارند بر این که مهدی (ع)، در منزل امام (ع) به دنیا آمده، یاخیر، زیرا امکان دارد، درمحلّ دیگری به دنیا آمده و خبر ولادت وی، به اصحاب و یاران خاص رسیده است و آنان برای تبریک، به منزل امام (ع) در سامرا رفته اند.۲. روایاتی که به عبارات گوناگون، از زبان حکیمه خاتون، نقل شده است، از جمله:دعوت امام حسن (ع)، از ایشان در شب ولادت مهدی (ع)، برای کمک به نرجس خاتون و مشاهده وی، امام زمان (ع) را به هنگام ولادت و پس از آن، در سامرا [۱۹] .به این دسته از روایات هم نمی توان اعتماد کرد،زیرا، در برابر این دسته از روایات، روایت دیگری است که تعارض دارد با آنها. نقل کرده اند:(شخصی پس از وفات امام حسن (ع) در مدینه به خدمت حکیمه خاتون می رسد و از ایشان می پرسد: امام پس از امام حسن (ع) کیست؟ایشان پاسخ می دهد: زمین خالی از حجت نیست و فرزند امام حسن (ع) جانشین اوست.راوی می پرسد: که شما فرزند ایشان را دیده اید یا شنیده اید.می گوید: شنیده ام) [۲۰] .اصولاً، روایاتی که از طریق حکیمه در این باره رسیده است، اضطراب دارند و روشن نیستند. و نمی توان برآنها برای اثبات این احتمال، استدلال کرد.۳. روایاتی که بیانگر دیدن امام زمان، توسط گروهی از اصحاب، در منزل امام حسن عسکری (ع) است.امام، در پاسخ آنان که درخواست دیدن جانشین وی را دارند، می فرماید:(... هذا امامکم من بعدی وخلیفتی علیکم، اطیعوه ولاتتفرقوا من بعدی فتهلکوا فی ادیانکم، اما ا...

نکم لاترونه بعد یومکم هذا. قالوا: فخرجنا من عنده فما مضت الایام قلائل حتی مضی ابومحمد (ع).) [۲۱] .پس از من، این پسر، امام شماست و خلیفه من است در میان شما. امر او را اطاعت کنید از گرد رهبری او پراکنده نشوید که هلاک می گردید و دینتان تباه می شود.این را هم بدانید که شما او را پس از امروز، نخواهید دید.آن جمع گفتند: از نزد امام بیرون آمدیم، و روزی چند نگذشت تا اینکه امام حسن (ع) درگذشت.از این قبیل است ملاقات احمد بن اسحاق و سعد با امام حسن (ع).احمدبن اسحاق می گوید: برای آن حضرت مقداری وجوه شرعی از طرف مردم بردم. در پایان خواستم پرسشهایی مطرح کنم.امام حسن (ع) فرمود:(... والمسائل التی اردت ان تساله فاسال قرة عینی واوما الی الغلام فسال سعد الغلام المسائل، وردّ علیه باحسن اجوبة، ثم قال مولانا الحسن بن علی الی الصلاة مع الغلام وجعلنا نختلف بعد ذلک الی منزل مولانا (ع) فلا نری الغلام بین یدیه.) [۲۲] .پرسشهایی که داری از نور چشم من (اشاره فرمود به مهدی (ع)) بپرس. سعد آنچهخواست پرسید و آن پسر، با بهترین شیوه پاسخ داد.سپس امام یازدهم فرمود: نماز را با وی بخوانید.از آن پس به خانه امام رفت و آمد داشتیم،لکن آن حضرت را ندیدیم.مردی از شیعیان از اهل فارس می گوید:(به سامرا رفتم. جلو منزل امام حسن (ع) رسیدم، بدون این که اذن بطلبم،امام (ع) مرا به داخل خانه فرا خواند. هنگامی که وارد شدم و بر وی سلام کردم از افرادی احوال پرسی کرد.سپس فرمود: بنشین و پرسید به چه انگیزه ای به این جا آمدی؟عرض کردم: برای خدمت به شما.فرمود: در خانه ما باش.از آن روز به بعد، با سایر خدمتگزاران در خدمت امام (ع) بودم. گاهی مسؤولیت بازار و خرید اجناس و لوازم، به عهده من بود. مدتی گذشت که با افراد، اُنس گرفتم. روزی از روزها، برامام حسن (ع) وارد شدم و ایشان در اتاق مردان بودند.صدایی شنیدم که به من فرمود: سرجایت بایست. ایستادم. ناگهان کنیزی را دیدم که چیزی خدمت امام (ع) آورد وروی آن پوشیده بود.امام (ع) مرا به نزدیک فرا خواند،به خدمتش رفتم. سپس آن کنیز را صدا زد و او برگشت. به او فرمود: روپوش را کنار بزن و او چنین کرد. پسر بچه ای را دیدم زیبا صورت گندمگون و...آن گاه فرمود: هذا صاحبکم. سپس دستور داد، وی رابردند و دیگر آن مولود را ندیدم تا امام یازدهم از دنیا رفت.) [۲۳] .در این نمونه از روایات چند نکته است:۱. اشخاصی که حضرت را در خانه امام یازدهم دیده اند، بیش ازیکمرتبه دیدار نداشته اند و در رفت و آمدهای بعدی، آن حضرت را ندیده اند. احتمال دارد که امام حسن (ع)، برای اتمام حجت و این که بعد از ایشان، حضرت مهدی (ع) امام شیعیان است، دستور داده آن حضرت را به سامرا بیاورند و سپس به محلّی که در آن زندگی می کرد و نگهداری می شد، برگرداندند.۲. اگر امام مهدی (ع) در سامرا می زیست و اصحاب مورد وثوق هم رفت و آمد داشتند، چه مانعی داشت که آن حضرت را بار دیگر ببینند و اطمینان بیشتری بیابند.۳. در روایت اولی آمده است که آن چهل نفر گفتند چند روزی از ملاقات ما با امام زمان (ع) نگذشت که امام حسن (ع) در گذشت. معلوم می شود آن ملاقات در آخر عمر امام یازدهم صورت گرفته است و این، منافات ندارد که در هنگام ولادت و یا بعد از آن، در سامرا نمی زیسته و اواخر عمر امام حسن (ع)، برای تحویل امور امامت و خلافت و نیز اتمام حجت، به سامرا آمده باشد.دلایل احتمال دوم:برخی بر این باورند که حضرت مهدی (ع)، مدتی پس از ولادت، از سامرا هجرت کرد، و تا رحلت پدر بزرگوارشان در مکه مکرّمه زندگی می کرد.مسعودی در اثبات الوصیة، از حمیری و او از احمدبن اسحاق نقل می کند که گفت:(دخلت علی ابی محمد (ع) فقال لی: ما کان حالکم فیما کان الناس فیه من الشک والارتیاب؟ قلت یا سیدی لما ورد الکتاب بخبر سیدنا ومولده لم یبق لنا رجل ولا امراة ولا غلام بلغ الفهم ا...لّا قال بالحق، فقال اما علمتم ان الارض لاتخلو من حجة اللّه ثم امر ابو محمد (ع) والدته بالحج فی سنة تسع وخمسین ومائتین وعرّفها ماینالها فغ سنة الستین، واحضر الصاحب (ع) فاوصی الیه وسلم الاسم الاعظم والمواریث والسلاح الیه وخرجت ام ابی محمد مع الصاحب جمیعاً الی مکة و...) [۲۴] .بر امام حسن عسکری (ع) وارد شدم.فرمود: چگونه اید در مساله ای که مردم در آن تردید دارند؟گفتم سرور من! وقتی خبر ولادت سید و مولای ما، به ما رسید مرد و زن و کوچک و بزرگ ما، آن را پذیرفتند.امام فرمود: آیانمی دانید که زمین از حجت خدا هرگز خالی نمی ماند. پس از این، امام حسن (ع) در سال ۲۵۹ امام مهدی (ع) را همراه با مادر خود [مادر امام حسن] به سوی مکه و حج فرستاد

و سفارشهای لازم را کرد و امور مربوط به امامت را به وی واگذاشت و به مادرش از حوادث سال آینده [سال] ۲۶۰خبر داد.از این روایت چندنکته به دست می آید:۱. خبر ولادت حضرت مهدی (ع)، به بسیاری از شیعیان داده شده بود و آنان به وسیله نامه و یاافراد مطمئن، از این مساله خبردار شده بودند.۲. شیعیان درباره تولد حضرت مهدی (ع) در حیرت و تردیدبودند و بسیاری به واسطه همین مساله دچار لغزش و انحراف شدند.۳. مدتی پس از ولادت، امام مهدی (ع) در سامرا بوده است.۴. امام مهدی (ع) برابر این نقل، چهارسالگی و یک سال پیش از درگذشت پدر بزرگوارشان، شهر سامرا را ترک کرده و سفارشها و اسرار امامت را در همان زمان از پدر دریافت کرده و از آن پس، امام حسن (ع) را ملاقات نکرده است.۵. آن حضرت، به همراهی جدّه خود، به سوی مکه رفته اند و در آن وادی امن، رحل اقامت افکنده اند.مؤید این احتمال، روایاتی است که مکان ومسکن حضرت مهدی (ع) را (ذی طوی)، محلی در نزدیکی مکه، دانسته اند.دلایل احتمال سوّم و چهارم:حضرت مهدی (ع) یا در سامرا به دنیا آمد و به مدینه فرستاده شد و یا در مدینه به دنیا قدم نهاد و درهمانجا ماندگار شد.بر این دو احتمال، می توان روایات و گزارشات تاریخی اقامه کرد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:ابی هاشم جعفری می گوید:(قلت لابی محمد (ع) جلالتک تمنعنی من مسالتک فتاذن لی ان اسالک؟ فقال: سل.قلت: یا سیدی هل لک ولد؟ فقال نعم، فقلت فان حدث بک حدث فاین اسال عنه؟قال: بالمدینهٔ.) [۲۵] .به امام حسن عسکری (ع) عرض کردم: پرسشی دارم،ولی بزرگواری شما مانع پرسیدن من است. اجازه می دهید آن را مطرح سازم؟ امام (ع) فرمود: بپرس. گفتم: سرورم، آیا شما را فرزندی هست؟ فرمود: آری. گفتم: اگر پیش آمدی شد کجا می توان او را یافت؟فرمود: مدینه.ظاهر این صحیحه آن است که در زمان حیات امام حسن (ع)، مهدی (عج) به دنیا آمده و در سامرا نبوده است. ابی هاشم هم از کسانی نبوده است که امام (ع) از او تقیه کند. این که امام (ع) فرمود: در مدینه است، به این معنی نیست که بعد از درگذشت من سراغ او را در مدینه بگیرید ؛زیرا سؤال کننده می دانست که زمین خالی از حجت نیست و وجود حجت بعد از امام یازدهم ضروری است، امام (ع) هم در جواب فرمود: آن حجت، در مدینه نگهداری می شود و نگران آینده نباشید. شاید این اشکال به ذهن بیاید که از کلمه (المدینه) نمی توان فهمید که همان مدینه رسول اللّه (ص) است که پیش از آن، یثرب نام داشت، بلکه هر شهری را شامل می شود. در نتیجه، با وجود این احتمال، استدلال به روایت ناتمام خواهد بود؟پاسخ: گرچه بعضی از بزرگان نیز این احتمال را داده اند، ولی برخی دیگر، مدینه را به همان مدینه منوّره معنی کرده اند. مؤیدات دیگری هم از روایات بر این احتمال می توان اقامه کرد.علامه مجلسی می نویسد:(قال بالمدینهٔ ای الطیبهٔ المعروفهٔ او لعله علم انه یدرکه او خبراً منه فی المدینهٔ، وقیل اللام للعهد والمراد بها سرّ من رای یعنی ان سفراءه من اهل سر من رای یعرفونه فسلهم عنه) [۲۶] .مقصود امام (ع) از مدینه، همان مدینه طیبه است. شاید امام (ع) می دانست که شخص سؤال کننده، مهدی (ع) و یا خبر او را درمدینه خواهد یافت.برخی گفته اند: الف و لام کلمه (المدینه) برای عهد است و مقصود سامراست. به این معنی که سفیران و نمایندگان خاص حضرت حجت (ع) که در سامرا هستند، او را می شناسند. از آنان راجع به فرزند من، بپرس.علامه مجلسی، در آغاز نظر خود را نسبت به این روایت، به صراحت اعلام می دارد و مدینه را به همان مدینه معروف و مشهور تفسیر می کند و قول دیگر را با تعبیر (قیل) می آورد که حکایت از آن دارد که مورد تایید وی نیست.مؤید این احتمال (که مدینه همان مدینه طیّبه باشد) روایتی است که از امام جواد (ع) رسیده.راوی می گوید از ایشان پرسیدم:(... مَنِ الخلف بعدک؟ فقال: ابنی علی وابنا علی، ثم اطرق ملیّاً، ثم رفع راسه، ثم قال: انها ستکون حیرهٔ، قلت: فاذا کان ذلک فالی اَین؟ فسکت، ثم قال:لا این ـ حتی قالها ثلاثاً فاعدت علیه، فقال: الی المدینهٔ، فقلت: ای المُدُن؟فقال: مدیتنا هذه وهل مدینهٔ غیرها.) [۲۷] .جانشین شما کیست؟امام (ع) فرمود: فرزندم علی و فرزند او [حسن بن علی]سپس چند لحظه ای ساکت شد و بعد فرمود: به زودی شما دچار حیرت خواهید شد.گفتم: در این دوران حیرت چه کنیم و کجا برویم؟ امام (ع) ساکت شد، سپس سه مرتبه فرمود: جایی نیست.باز از ایشان پرسیدم.در پایان فرمود: مدینه.گفتم کدام مدینه؟فرمود همین مدینه [طیّبه] و آیا غیر از این مدینه ای هست؟قرائن و شواهد تاریخی آن زمان نیز، این احتمال را تایید می

کند.نمونه زیر، بیانگر آن است که شیعیان، امام مهدی را در مدینه طیّبه می جستند.محمد بن حسن (۲۳۶ـ ۳۱۶) از کسانی است که برای تحقیق و بررسی مساله غیبت به مدینه رسول رفت.در این باره نوشته اند:(وکان من محله فی الشیعهٔ انه کان الوافد عنهم الی المدینهٔ عند وقوع الغیبهٔ سنهٔستّین وماتین واقام بها سنهٔ، وعاد وقد ظهر له من امر الصاحب علیه السلام ما احتاج الیه) [۲۸] .محمد بن حسن، در میان شیعیان، موقعیت ویژه ای داشت. در سال ۲۶۰ هجری به عنوان تحقیق و بررسی مساله غیبت امام مهدی (ع) وارد مدینه شد و یک سال در آن جا، بماند و سپس برگشت و آنچه درباره امام زمان (ع) بدان نیاز بود، بر وی، روشن شد [و شیعیان را در جریان قرار داد]در این نقل تاریخی، هیچ اشاره ای به سامرا نشده، معلوم می شود که درنزد گروهی از شیعیان آن زمان، مسلّم بوده است که امام (ع) در مدینه زندگی می کند، یا از آن جهت که حضرت در آن جا به دنیا آمده و بزرگ شده است، و یا این که پس از ولادت در سامرا، به مدینه آورده شده، تا از دست ماموران خونخوار خلیفه در امان باشد.اگر قرار بر این بود که حضرت حجت (ع) از دست توطئه گران و مخالفان در امان بماند و به گونه طبیعی دوران کودکی و رشد خود را پشت سر بگذارد، بهترین جا برای این دوران، مدینه بوده است ;زیرا هم از مرکز خلافت (سامراء) به دور بوده و هم خانواده بنی هاشم، در مدینه از پایگاه و موقعیّت ویژه ای برخوردار بودند و می توانستند از این مولود مسعود، به بهترین وجه محافظت کنند، تا از گزند حوادث و آفات مصون بماند. و این، با اصل این که آن حضرت (خفی الولادهٔ والمنشا (۲۷)) است نیز، سازگاری دارد.از سوی دیگر، حضور حضرت در سامرا، به گونه عادی و معمولی، با توجه به کنترل شدید دشمن نسبت به خانه امام (ع)، غیر ممکن بوده و لزومی هم ندارد که همه چیز را با اصل معجزه و کرامت حلّ کنیم. پذیرفتن این نکته که امام (ع) در مدینه متولد شده و یا دست کم، پس از ولادت، به آن جا انتقال یافته و در آن جا دوران رشد و کودکی را پشت سر نهاده، با اصول امنیتی، بیشتر سازگار است.

پاورقی

[۱] (کتاب الغیبهٔ)، شخ طوسی تحقیق شیخ عباد اللّه تهرانی و شیخ علی احمد ناصح،۱۳۶ ـ ۱۴۱، مؤسسه معارف اسلامیه. (کتاب الغیبهٔ)، محمد بن ابراهیم نعمانی تحقیق علی اکبر غفاری ۱۱۶ ـ ۱۲۶، مکتبه صدوق. (کنز العمال فی سنن الاثقوال والائفعال) علاء الدین هندی، ج۱۴:۲۶۱ تا ۲۷۶.

[۲] (اثبات الوصیهٔ)، مسعودی ۲۷۶، دارالائضواء، بیروت. (مروج الذهب ومعادن الجوهر) مسعودی، ج۴:۱۹۹، دارالمعرفهٔ، بیروت. (کمال الدین) شیخ صدوق ۴۳۴.

[۳] (بحارالانوار)، علامه مجلسی، ج ۵۰:۷۳، مؤسسهٔ الوفاء،بیروت (;اثبات الوصیهٔ)،مسعودی ۲۳۷.

[۴] (بحار الانوار)، ج ۵۰:۱۱۳.

[۵] (همان مدرک;)، ۲۰۰ (مروج الذهب)، ج۴:۹۳.

[۶] (کتاب الغیبهٔ)، شیخ طوسی ۲۳۱.

[۷] (همان مدرک;)۶۴۴ (کمال الدین) صدوق ۴۱۷ ـ۴۲۳ (بحار الانوار)، ج۵۱:۱۲ـ ۲۵(اثبات الوصیهٔ)۲۷۲.

[۸] (اثبات الوصیهٔ) مسعودی ۲۶۸ـ۲۷۰.

[۹] (اثبات الوصیهٔ) مسعودی ۲۶۸ـ۲۷۰.]

[۱۰] (ینابیع المودهٔ)،حافظ سلیمان۴۵۵،بصیرتی،قم.

[۱۱] (کمال الدین) ۴۲۴.

[۱۲] (کتاب الغیبهٔ) شیخ طوسی ۲۳۷.

[۱۳] (همان مدرک) ۲۳۱، ۲۳۹،۲۳۲.

[۱۴] (همان مدرک) ۲۳۱، ۲۳۲و ۲۳۹.

[۱۵] (همان مدرک)۷۷، ۱۰۵.

[۱۶] (بحار الانوار)، ج۱۲:۱۹.

[۱۷] (همان مدرک)، ج۱۳:۱۵.

[۱۸] (کتاب الغیبهٔ)، شیخ طوسی ۲۳۰، ۲۵۱ (کمال الدین) ۴۳۴.

[۱۹] (کتاب الغیبهٔ)، شیخ طوسی; ۲۳۲ (کمال الدین)۴۲۹.

[۲۰] (کمال الدین) ۵۰۱.

[۲۱] (همان مدرک; ۴۳۵ (سفینهٔ البحار)، شیخ عباس قمی، ج۲:۷۰۳.

[۲۲] (المقالات والفرق)، سعد بن عبداللّه ابی خلف الاشعری القمی، با مقدمه و تصحیح جواد مشکور، مقدمه ط،مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

[۲۳] (کمال الدین) ۴۳۴.

[۲۴] (اثبات الوصیهٔ)، مسعودی، ۲۷۱.

[۲۵] (اصولی کافی)، کلینی ج۱:۳۲۸، دارالتعارف، بیروت.

[۲۶] (مرآهٔ العقول فی شرح اخبار آل الرسول)، علامه مجلسی، ج۴:۲، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران.

[۲۷] (کتاب الغیبهٔ)، نعمانی۱۸۵.

[۲۸] (رسالهٔ ابی غالب الزراری) ۱۴۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان


WWW